

داخل مخدوش نموده است و در بسیاری از انواع محصولات، اتخاذ ارقام غیرمنطقی تعرفه‌ای، آثار سوئی را بر تولید داخل بر جای گذاشته است که از آن جمله می‌توان به انحصاری عمل کردن در برخی بازارها و ورشکستگی تولید داخل در برخی دیگر اشاره کرد که یکی به دلیل نرخ‌های بالای تعرفه به وجود آمده است و دیگری برعکس. متأسفانه هدفمند نبودن تعرفه‌ها و عدم لحاظ دامنه زمانی برای تعرفه‌های مذکور از دیگر مشکلات موجود در نظام تعرفه‌ای واردات در ایران است؛ هرچند یکی از مهمترین اصول حاکم بر نظام تجارت جهانی، حرکت به سمت تعرفه صفر و آزاد سازی بازار و سهولت ورود و خروج کالا و خدمات در جهان است که این مهم در راستای عضویت دائمی سازمان تجارت جهانی باید مدنظر قرار بگیرد. ■

تولیدی مذکور به منظور توسعه صادرات غیرنفتی می‌تواند بر پدیده اشتغال، رکود و تورم که از عمده مشکلات کنونی اقتصاد ایران هستند، فایق آید. مسأله دیگری که باید به آن اشاره شود سیاست‌های پولی، مالی و تجاری دولت است که با نگاهی به عملکرد دولت و اتخاذ این سیاست‌ها در بخش‌های اقتصادی، استفاده صحیح و به موقع از ابزارهای مختلف را می‌توان جست‌وجو کرد. در حوزه سیاست‌های تجاری، تعرفه به عنوان یکی از این ابزارهای مؤثر در روند توسعه محسوب می‌شود. البته باید متذکر شد که اگر بخواهیم نظام تعرفه به ابزاری مؤثر در اقتصاد تبدیل شود، لازم است منطقی باشد.

نرخ‌های تعرفه‌ای غیرمنطقی حاکم بر واردات کشور، امکان ایجاد رقابت را در

## نقدی بر جایگاه جهانی اقتصاد ایران در نگاه خارجی‌ها

# روی کدام پله ایستاده‌ایم؟

## ارزیابی کشور در رده‌بندی‌های جهانی از دیدگاه دکتر کوروش پرویزیان، مدیرعامل بانک توسعه صادرات ایران



و بر اساس آینده‌نگری، ارزش‌گرایی، واقع‌گرایی و جامعه‌گرایی تنظیم شده و الزاماتی را در عرصه‌های اقتصادی، علمی و تکنولوژیکی به گونه‌ای برای ایران تعیین کرده است که با تحقق این اهداف، ایران ۱۴۰۴ الهام بخش

سایر ملل منطقه و جهان باشد، حایز اهمیت است. در واقع این سند نقشه راهی است که جهت حرکت ایران را در ۲۰ سال آینده مشخص می‌کند. رسیدن به نوک قله منطقه، نیازمند الزاماتی نظیر کاهش نرخ تورم، بیکاری و افزایش رشد اقتصادی به همراه بهبود فضای کسب‌وکار و دیگر شاخص‌ها است. تحقق این چشم‌انداز از طریق برنامه‌ریزی‌های کلان‌کشوری، نظیر برنامه‌های ۵ ساله توسعه صورت می‌گیرد. در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالانه، این نکته مورد توجه است که شاخص‌های کمی کلان آنها از قبیل نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، محصول ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاست‌های توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردند و این سیاست‌ها و هدف‌ها به صورت کامل مراعات شوند. هم‌اکنون در برنامه پنجم توسعه نیز که در مرحله تدوین در دولت است، این شاخص‌ها در برنامه‌های کلان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی ایران مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

### پیش به سوی دانش‌محوری اقتصادی

با توجه به این که سند چشم‌انداز در سال ۸۴ تدوین شد، نخستین مرحله اجرایی آن با برنامه چهارم توسعه آغاز گردید. در چهار سال گذشته، برای تحقق چشم‌انداز و دستیابی به اهداف آن، گام‌های اولیه برداشته شده و دولت تلاش گسترده‌ای را در این زمینه انجام داده است؛ هرچند با زمان اندک و مسیر طولانی باقیمانده، راه درازی در پیش است؛ هرچند که روند رشد اقتصادی بالا در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران را از آمادگی لازم برای تحقق اهداف مذکور برخوردار کرده است.

رشد اقتصاد ایران نشان می‌دهد که این تحول با تلاش در جهت اجرای برنامه‌های اقتصادی، رو به پیشرفت و تکامل است. اجرای برنامه‌هایی نظیر

بانک جهانی، به عنوان یکی از معتبرترین مراجع بین‌المللی محاسبه و ارایه شاخص‌های اقتصادی کشورهای مختلف جهان، در حالی که دورنمای نامیدکننده‌ای را برای اقتصاد جهان در سال ۲۰۰۹ ترسیم کرده و رشد منفی ۱/۷ درصدی را برای سال ۲۰۰۹ پیش‌بینی نموده است، رشد اقتصادی ایران را در سال ۲۰۰۹ مثبت ۳ درصد برآورد کرده است. بر اساس پیش‌بینی بانک جهانی، رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۰ به ۴ درصد خواهد رسید. این آمارها نشان از جایگاه مناسب ایران در میان کشورهای جهان در شرایط بحران که اکثریت کشورها از رشد منفی در اقتصاد خود رنج می‌برند، دارد.

واحد اطلاعات اکونومیست هم در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرده، محصول ناخالص داخلی ایران در سال جاری افزایشی بیش از ۴۹ میلیارد دلاری را تجربه خواهد کرد. اکونومیست با در نظر گرفتن جمعیت کنونی ۷۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفری ایران، سرانه محصول ناخالص داخلی کشورمان را چهار هزار و ۶۰۰ دلار اعلام کرده است. این مرکز با بررسی روند تغییر شاخص‌های اقتصادی ایران پیش‌بینی کرده امسال سرانه محصول ناخالص داخلی ایران با حدود ۶۰۰ دلار افزایش به ۵ هزار و ۱۹۰ دلار برسد و این رقم را برای سال ۸۹ حدود ۵ هزار و ۹۲۰ دلار، ۶ هزار و ۹۰۰ دلار برای سال ۹۰، سال ۹۱ حدود ۸ هزار و ۱۸۰ دلار و حدود ۹ هزار و ۶۰۰ دلار برای سال ۹۲ برآورد کرده است. بنا به گزارش این مرکز، جمهوری اسلامی ایران از نظر محصول ناخالص داخلی در میان کشورهای در حال توسعه در جایگاه دهم و در میان کشورهای جهان در جایگاه ۲۸ قرار دارد و به این ترتیب، بالاتر از کشورهایی مانند آرژانتین، آفریقای جنوبی، تایلند، مالزی، رومانی، اوکراین و مجارستان است.

### افق روشن ۱۴۰۴

با توجه به آمارهای منتشر شده، رشد متوسط محصول ناخالص داخلی طی این سال‌ها واقعیتی انکارناپذیر است. البته ارایه این آمار به این معنی نیست که در اقتصاد ما هیچ مشکلی وجود ندارد. بانک جهانی در تازه‌ترین گزارش خود از ایران که در ماه ژوئن منتشر شد، تصریح کرده که علیرغم پیشرفت‌های قابل توجه در شاخص‌ها و معیارهای اجتماعی، اقتصاد ایران همچنان با چالش‌هایی دست به گریبان است که باید راهکارهایی برای مقابله با آنها اتخاذ شوند.

در این راستا، توجه به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله که برنامه‌ای راهبردی است

متعددی است که نیازمند بازنگری کلی است. در مورد اخیر باید گفت پرداخت‌های انتقالی دولتی اگر به صورت هدفمند انجام شوند موجب کاهش فقر خواهند شد، اما زمانی که پرداخت‌های انتقالی هدفمند نباشند، چیزی جز هزینه و بار مالی اضافی برای دولت در بر نخواهند داشت. طبق گزارش مذکور، گسترده بودن یارانه‌ها از جمله یارانه انرژی و یارانه‌های اعتبارات، بیشتر به نفع طبقات مرفه و ثروتمند جامعه بوده است. به علاوه، یارانه نان و دارو به شدت غیرهدفمند است و گفته می‌شود طبقه مرفه و ثروتمند ۱۲ برابر بیشتر از طبقه فقیر و آسیب‌پذیر، یارانه بنزین دریافت می‌کند. گزارش بانک جهانی، دسترسی به این اهداف را نیازمند شبکه امنیت اجتماعی و برنامه‌هایی برای برقراری ثبات اقتصادی و جلوگیری از مواجه شدن گروه‌ها و اقشار آسیب‌پذیر با فقر اقتصادی می‌داند.

در مورد جهش‌های صادراتی قابل توجهی که در سال‌های اخیر شاهد آن بودیم، اگرچه مفید است، اما هنوز در این زمینه جای کار بسیاری هست تا سهم بالاتری از تجارت جهانی را به خود اختصاص دهیم. با امید به روزی که با پیگیری راهکارهای مؤثر برای مقابله با چالش‌های موجود و تدوین و اجرای دقیق و اصولی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، ایران اسلامی را هرچه بیشتر به سوی تحقق چشم‌انداز روشن ۲۰ ساله خود نزدیک نماییم. ■

خارج کردن مرحله‌ای اقتصاد ایران از وابستگی به درآمدهای نفت در تنظیم بودجه و اصلاح ساختارهای مالی و افزایش سطح بهره‌وری با استفاده از نخبگان و استعداد‌های جوان ایرانی از گام‌های مهمی است که در چارچوب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله برداشته شده است، اما مسلماً نباید به این اقدامات بسنده کرد و ادامه این روند رو به رشد، مستلزم گام‌ها و اقدامات بعدی است که تضمین‌کننده حرکت مداوم در مسیر این چشم‌انداز باشند.

گزارش بانک جهانی از وضعیت ایران نشان می‌دهد که حرکت به سمت دانش‌محوری اقتصاد، گزینه ناگزیری برای کشورمان محسوب می‌شود. این موضوعی است که در دورنمای برنامه پنج ساله چهارم توسعه لحاظ شده است. در این راستا، متأسفانه علیرغم تلاش‌های زیاد بانک مرکزی، نرخ تورم ایران همچنان دو رقمی است. این موضوع علاوه بر تحمیل فشار به اقشار جامعه، موجب افزایش نگرانی بخش خصوصی و بی‌تأملی برای افزایش سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران خواهد شد. چالش دیگر فراروی رشد اقتصاد ایران که در این گزارش به آن اشاره شده، کمبود دستیابی و دسترسی به فن‌آوری اطلاعات و زیرساخت‌های مربوط به آن است. شفافیت، افزایش نظارت مؤثر دولت، حساسی و بازرسی دقیق و ضرورت هدفمند کردن پرداخت یارانه‌های انرژی - که ۱۰ درصد محصول ناخالص داخلی ایران را تشکیل می‌دهد - از موارد

## اوضاع افغانستان

### بر کرسی دموکراسی



#### آمریکا نه تنها نتوانست مشکلات افغانستان را حل کند که حتی پاکستان را هم درگیر موضوع طالبان کرد.

خود در پاکستان و با انجام عملیات‌های چریکی، ارتباطات تدارکاتی ارتش آمریکا و ناتو را در پاکستان مختل نمودند که این خطری بزرگ برای حضور نظامی آمریکا در افغانستان بود. کارشناسان نظامی ناتو معتقدند در صورتی که پشتوانه حمایتی و نظامی طالبان در پاکستان از بین نرود، آمریکا در افغانستان پیروز نخواهد شد. به همین دلیل، آمریکا دو سیاست عمده را در منطقه در پیش گرفته است: اول این که تلاش کند زمینه ایجاد دولتی به اصطلاح دموکراتیک را با مشارکت مردمی در افغانستان پایه‌ریزی نماید که نتیجه آن، انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری بود و دوم این که با حمایت مالی، سیاسی و نظامی از دولت پاکستان جهت مبارزه با طالبان پاکستان اقدام نماید.

آمریکا با اعمال فشار به گروه‌های سیاسی پاکستانی و ایجاد اتحاد اجباری آنان در اتخاذ تصمیمی مهم نسبت به برخورد با طالبان پاکستان و قبایل حامی آنها، همه همت خود را به حمایت از دولت مرکزی پاکستان معطوف کرد و در این راستا تا حلی موفق عمل نمود، چراکه حمله ارتش پاکستان به دره سوات که اوج مبارزه با تروریسم پاکستان بود، بدون کمک آمریکا هرگز محقق نمی‌شد. ارتش پاکستان توانست با حمایت آمریکا، بیت‌الله محسود رهبر طالبان پاکستان را نابود کند که این موضوع، ضربه بزرگی برای طالبان بود. در حال حاضر، دره سوات که تا چند ماه پیش پایگاه اصلی طالبان در منطقه بود به تصرف ارتش پاکستان درآمده است و عده زیادی از فرماندهان و جنگجویان طالبان در درگیری‌های چند ماه اخیر آن کشته شده‌اند. ■

آمریکایی‌ها با هدف مبارزه با تروریسم و ایجاد صلح و ثبات در افغانستان به این کشور حمله کردند، ولی علیرغم گذشت بیش از ۸ سال هنوز نتوانسته‌اند ثبات و امنیتی که در زمان حمله به افغانستان وعده آن را داده بودند محقق سازند. از موارد مطرح شده جهت توجیه حمله به افغانستان، مبارزه با تولید مواد مخدر و صادرات آن به سایر کشورهای جهان بود که البته ما هنوز شاهد هستیم که طی همه سال‌هایی که آمریکا در افغانستان حضور دارد، کشت و تولید مواد مخدر و صادرات آن ادامه داشته است. در حال حاضر با توجه به شرایط قومی و قبیله‌ای افغانستان و موقعیت جغرافیایی منطقه، زیربنای توسعه اجتماعی و شهری این کشور هنوز ظرفیت لازم جهت تحمیل دموکراسی وارداتی آمریکا را ندارند و به همین جهت، آمریکایی‌ها سعی دارند از طریق اقدامات نظامی به اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود در افغانستان نایل گردند. طی چند سال گذشته، بیشترین تمرکز آمریکا بر مبارزه با طالبان در چارچوب جغرافیایی افغانستان بوده، اما این پروژه به شکست انجامید. آمریکا نتوانست نه ملا محمد عمر و نه بن لادن، رهبران القاعده و طالبان را دستگیر یا مجازات نماید. در همین راستا، طالبان کم‌کم تجدید قوا نموده و حملات خود را افزایش دادند. دلیل عمده این مسأله، وجود مرزهای مشترک بین افغانستان و پاکستان - که پایگاه مهم طالبان در منطقه می‌باشد - و مشترکات قومی، فرهنگی و مذهبی بین قبایل پاکستانی و قبایل افغانی بود.

آمریکا با فشاری که بر طالبان و القاعده در افغانستان وارد نمود، باعث شد گروه‌های شبه‌نظامی طالبان - القاعده، اقدام به حضور و توسعه فعالیت خود در قبایل پاکستانی هم مرز با افغانستان نمایند. با توجه به ضعف سیاسی و امنیتی دولت پاکستان و عدم امکان نظارت و اشراف امنیتی بر کل قبایل و مناطق پاکستان، فرصتی مناسب جهت حضور طالبان در پاکستان ایجاد شد و با عنایت به این که بیشتر تدارکات ارتش آمریکا و ناتو جهت حمله به افغانستان از طریق پاکستان وارد می‌شد، طالبان با پر رنگ نمودن نفوذ